

# ازدواج در کودکی، پوششی برای خرید و فروش کودکان

## گفتگو ماهرخ غلامحسین پور با حسین رئیسی، حقوقدان و وکیل دادگستری

روزانه و زیر نبض شهر، کودکان و نوزادان بسیاری توسط والدینشان آشکارا خرید و فروش و معامله می‌شوند، کودکانی که به خاطر فقر مالی مابین 500 هزار تومان تا 10 میلیون تومان دست به دست می‌شوند، اگر چند ساعته اطراف بیمارستان‌های بزرگ دولتی بچرخیم، با دلال‌ها و واسطه‌هایی مواجه می‌شوی که در کار خرید و فروش نوزادانند. نوزادانی که عمدتاً به علت فقر شدید مالی به خانواده‌های بدون فرزند یا باندهای سازمان یافته واگذار می‌شوند تا از آنها برای مقاصد مختلف، از تکدی‌گری گرفته و یا استثمار بدنی و جنسی، بهره‌کشی کنند. اما معامله کودکان در ایران اشکال پنهان و قانونی دیگری هم دارد.

«حسین رئیسی وکیل دادگستری و کنشگر اجتماعی در این گفتگو به سوالات حقوقی خانه امن پاسخ می‌دهد.

## آیا به لحاظ حقوقی می‌شود ازدواج کودکان را خرید و فروش یا معامله دانست؟

چنین صراحتی ممکن نیست. عنوان این کار را خرید و فروش و معامله کودک نمی‌نامند. اما در ساختار حقوقی کنونی متأثر از فقه اسلامی چون شرع به پدر اجازه می‌دهد که کودکش را در هر سنی به عقد ازدواج هر کسی که مایل باشد در بیاورد، به نوعی امکان معامله آن را فراهم کرده است. در مقابل این ایراد گفته می‌شود شرع اسلام گفته است که این نوع ازدواج‌ها حتماً برای بهره‌برداری جنسی نیست. ولو چنین باشد که قوانین شرعی می‌گویند بعد از اینکه کودک به ازدواج مردی درآمد، نباید ارتباط جنسی با کودک برقرار شود تا زمانی که او به لحاظ فیزیکی، به سن آمادگی رابطه جنسی برسد. اما سوال اینجاست که چه کسی این مسئله را مراعات می‌کند؟ کسی که حاضر به ازدواج با کودکی به خاطر فقر می‌شود، چطور به لحاظ اخلاقی خودش را ملزم به مراعات این مسئله می‌داند؟ طبیعی است که در چنین شرایطی از کودک سوءاستفاده می‌شود. فرض کنیم فردی متعهد بود که ارتباط جنسی برقرار ننماید آیا صورت مسئله که تایید بردگی کودکان است تغییر می‌کند! طبیعی است که بایستی با کنار گذاشتن و ممنوع کردن ازدواج زیر سن ۸۱ سالگی، راه را بر هر نوع سوءاستفاده‌ای بست.

## راه حل ایجاد ممانعت برای ازدواج کودکان چیست؟

چنانچه گفتم با ممنوع کردن ازدواج کودکان کمتر از ۸۱ سال و تعیین مجازات برای آن از یک طرف و از سوی دیگر رهایی از سنت‌های مذهبی ممکن است. اما همه این اتفاقات بدون آموزش جامعه و اجرای موازین حقوق بشر در باره کودکان با تضمین عدالت اجتماعی فراهم نخواهد شد. این مسئله اراده اجرایی می‌خواهد، یعنی اراده رهایی از مقررات سنتی مذهبی. در جامعه‌ای که عمده تعهد دولت، اجرای برداشت سنتی از فقه اسلامی است و قوانین آن بر همین اساس از تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان می‌گذرد. فردی که دختر ۸ ساله‌اش را به عنوان ازدواج به جای بدهی‌اش به دیگری می‌دهد، کسی نمی‌تواند به او ایراد بگیرد. پدر برابر ماده ۵۰۵ قانون حمایت خانواده جدید در ایران و موازین شرعی می‌تواند این کار را انجام دهد و فقط در صورتی مورد مواخذه قرار می‌گیرد که دختر در این ازدواج به سبب رابطه جنسی بمیرد یا به لحاظ فیزیکی آسیب ببیند.

## یعنی بعد از برقراری رابطه جنسی و وقتی که کار از کار گذشت؟

بله. دقیقاً وقتی که رابطه جنسی برقرار شد و کودک آسیب دید یا اگر قبل از آن پدر برای ازدواج کودک از دادگاه اجازه نگرفته باشد، می‌توان او را مورد تعقیب کیفری قرار داد. قانون‌گذار باید درک کند که مسئله ازدواج کودکان عملاً نوعی بردگی یا خرید و فروش کودک است و محرومیت‌ها و خطرات جدی برای کودک ایجاد می‌کند.

## علت افزایش این آسیب اجتماعی چیست؟

علت عمده آن فقر و عدم آموزش است. خانواده‌های مذهبی - سنتی که درگیر فقر شدید یا بحران‌های اجتماعی هستند، تن به ازدواج‌های زود هنگام فرزندشان می‌دهند تا شکمشان سیر شود و سر پناهی داشته باشند یا خود به نوایی برسند. در این میان مردان میان‌سالی هم هستند که به اسم سرپرستی کودکان، آنها را خریداری می‌کنند تا تمتع جنسی ببرند.

## به لحاظ حقوقی کودک چه کسی است؟

تعریف سن کودکی در ایران درگیر اشکال است. پیمان نامه جهانی کودک، برای تعریف سن کودکی، مرز 18 سالگی را به رسمیت می‌شناسد اما علی‌رغم این که ما به پیمان‌نامه جهانی کودک پیوسته‌ایم، عملاً سن 18 سالگی را معتبر نمی‌دانیم چرا که تعریف کودک به

لحاظ قوانین شریعت با تعریف این پیمان نامه متفاوت است و ایران هم به طور مشروط به این پیمان نامه پیوسته، به ناچار مرز کودکی و بزرگسالی کماکان نامشخص است. مثلا برای انجام معاملات ملکی کودک باید ۸۱ سال تمام داشته باشد اما برای ازدواج، دختر ۳۱ ساله می‌تواند سند ازدواج با مهریه که بار مالی دارد را امضا نماید.

## سن ازدواج در قوانین شرعی کجاست؟

حقوق اسلام برای دختر نه سال تمام قمری و برای پسر ۵۱ سال تمام قمری را سن بلوغ فرض کرده است و ازدواج در این سنین جایز است. طبق قوانین شرعی این کودکان می‌توانند ازدواج نمایند. در قوانین فعلی ایران، دختر ۳۱ ساله و پسر ۵۱ ساله می‌تواند ازدواج کند.

با توجه به اینکه اراده کودکان در این سنین رشد مناسب را ندارند به ناچار ازدواج این کودکان می‌تواند نوعی خرید و فروش و معامله در قالب قانونی، شرعی و رسمی با اراده والدین کودک باشد. به عبارتی ازدواج یکی از ابزارهای خرید و فروش کودکان و نوعی کلاه شرعی گذاشتن بر مقوله معامله کودکان است. خانواده‌هایی که شرایط مالی خوبی ندارند و مایل به فروش کودکان هستند، غالبا او را در قالب ازدواج معامله می‌کنند.

## آیا مانع حقوقی برای این شکل از معامله کودکان وجود ندارد؟ قانون‌گذار در این مورد دغدغه‌ای نداشته؟

نه تنها مانع جدی حقوقی برای ممانعت از این نوع پدیده‌های شوم فراهم نیست اتفاقا حقوق ایران این پتانسیل را برای چنین سوءاستفاده‌ای فراهم کرده است. ماده ۱۲۱ قانون مدنی ایران سن مسئولیت را برای دختران نه سال و برای پسران 15 سال قرار داده است و ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی در قسمت ازدواج هم، حداقل سن ازدواج را برای دختران 13 و برای پسران 15 سال مقرر کرده است. جالب است که قانون حمایت خانواده جدید هم این سن را تغییر نداده و بر این سن صحنه گذاشته است.

## از وجه کیفری چطور؟ هیچ پیش بینی در این مورد وجود ندارد؟

از حیث کیفری هم گفته شده که اگر کسی با دختری زیر سن 13 سالگی ازدواج کرده و رابطه جنسی برقرار کند و آن دختر فوت کند، ضامن دیه است و اگر مجروح بشود ضامن پرداخت جراحت است و اگر بدون اجازه دادگاه ازدواج انجام شده باشد، ماده پنجاه قانون حمایت از خانواده برای مرتکب، حبس در نظر گرفته است. اما با ممنوعیت مطلق ازدواج در سنین خردسالی و جرم‌انگاری جدی آن روبرو نیستیم. این در حالیست که دولت ایران برابر تعهدات بین‌المللی ناشی از امضا پیمان نامه حقوق کودک و پروتکل‌های الحاقی آن متعهد به رعایت منافع عالی کودکان است در حالی که چنین قوانینی مغایر با هر نوع منفعتی برای کودکان است.

## کودک نمی‌تواند مقاومت کند؟

اجازه ازدواج زیر سن 18 سال، در اختیار خود فرد نیست بلکه در اختیار والدین است و این امر به طور تلویحی یعنی فراهم کردن امکان قانونی خرید و فروش دختران.

## قانون جدید حمایت از خانواده به نوعی در ماده ۵۴ بر مصلحت کودکان و منافع عالی کودک تاکید می‌کند.

درست است اما کمتر ضمانتی برای تامین همه منافع کودکان فراهم است. با این که گفته شده در هر صورت باید منافع عالی کودک در نظر گرفته شود، اما این خنده‌دار است که در عین حال هم اجازه ازدواج کودکان را صادر کنند و هم مدعی شوند که منافع کودکان در نظر گرفته شده. چون عملا کودک در این میان قربانی شده است. چون کودکی که در آن سن ازدواج می‌کند عملا آموزش را رها می‌کند، منافعتش و حتی جاننش به مخاطره می‌افتد و حیثیت و شان انسانی‌اش پایمال می‌شود.

## یعنی شما قوانین را در خصوص بهره‌کشی جنسی از کودکان ناکافی و ناکارآمد می‌دانید؟

بله. قوانین ایران از این نظر حمایت کافی از حقوق کودک نمی‌کند و اجازه می‌دهد که بستر خرید و فروش کودک در قالب ازدواج شرعی؛ هرزه‌نگاری و استثمار او در حوزه‌های کار فراهم شود.

## در خصوص اختیارات والدین بگویید. اختیارات والدین از منظر حقوقی و جرم‌شناسی چه تاثیری بر افزایش یا کاهش این آسیب اجتماعی دارد؟

در جامعه دیکتاتوری، یکی از عواملی که منجر به بروز خشونت و حتی معامله کودکان می‌شود موضوع خودکامگی والدین و حقوق نامحدودی است که ساختار جامعه برای والدین در نظر گرفته است.

در چنین جامعه‌ای شاهد محافظه‌کار شدن و عدم توفیق حقوق در حمایت از کودک هستیم. متأسفانه بر اساس قوانین اسلامی و سایر

قوانین مدنی، اختیار بسیار ویژه‌ای برای والدین در کنترل و آموزش فرزندان در نظر گرفته شده که این نامحدودی اختیارات ناشی از فرهنگ هم هست، فرهنگی که به طور همه جانبه اختیار را به والدین و خصوصاً پدر اعطا می‌کند تا هر طور که مایل بود با کودکش رفتار کند. اما خوشبختانه حقوق مدرن به سمت محدود کردن خودکامگی والدین می‌رود.

در این چنین جوامعی مداخله دولت‌ها دقیق و موثر نیست. اسلام و قرآن اختیار بسیار ویژه‌ای برای پدر قائل است و قیمومیت را به پدر و جد پدری می‌دهد به حدی که حتی پدر اجازه دارد که کودک را بکشد و مشمول مجازات قصاص نشود. خودکامگی والدین و قدرت بیش از اندازه پدر و بعضاً مادر، معضلی به نام قاچاق کودکان را افزایش می‌دهد، گر چه همان طور که اشاره کردم در حقوق مدرن امروزی در حقیقت قانون و جامعه به سمت مداخله جدی گام برمی‌دارند تا این قدرت را کاهش دهند.

## فعالیت ۷۱ کلینیک سلامت و آسیب‌شناسی دانش‌آموزان دختر

عکس: خبرگزاری آنا

معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در راستای ارتقای شاخص‌های سلامت در حوزه زنان، برنامه‌های متنوعی از جمله راه‌اندازی 17 کلینیک سلامت خانواده و آسیب‌شناسی سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان دختران را اجرا کرده است.

به گزارش ایلنا از معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری، این کلینیک‌ها در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، البرز، خراسان رضوی، گیلان، قم، مازندران، کرمانشاه، مرکزی، اصفهان، فارس، خوزستان، کرمان، ایلام، کاشان، ایران، شهید بهشتی و آذربایجان شرقی فعالیت دارند.

معاونت زنان ریاست جمهوری با همکاری آموزش و پرورش، پروژه‌های دیگری در راستای ارتقای سلامت دختران انجام داده است که «آسیب‌شناسی روانی - اجتماعی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم و بهبود وضعیت بهداشتی دانش‌آموزان دختر محروم و نیازمند کشور در مقطع اول متوسطه (پایه اول)» در سطح ملی، یکی از این پروژه‌ها به شمار می‌آید.

توان افزایش و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی زنان و خانواده در استان‌های آذربایجان شرقی، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، فارس، کردستان، کرمان، هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد از جمله اقدامات این معاونت در راستای ارتقای سلامت بانوان از منظر سلامت روان و سلامت جسمی است.

بر اساس این گزارش در طرح یاد شده بیش از 10 هزار تن در سراسر کشور توسط این معاونت آموزش دیده‌اند.

از اقدامات در خصوص حمایت‌های روانی از زنان و خانواده که به حفظ سلامت آنان کمک می‌کند؛ حمایت از زنان آسیب دیده است که می‌توان به اجرای طرحی به نام «توانمندسازی زنان آسیب دیده و آسیب‌پذیر و توانمندسازی زنان سالمندان به منظور بهبود کیفیت زندگی در دوران سالمندی» اشاره کرد.

در این طرح که با همکاری سازمان بهزیستی اجرا شده است، 45 هزار زن سالمند از استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، فارس، کرمان، گلستان، گیلان، همدان و یزد تحت پوشش طرح قرار گرفته‌اند.

در این گزارش آمده است: برگزاری کارگاه آموزشی با عنوان «تقویت شیوه‌های مهارتی و ارتباطی اولیا با دانش‌آموزان و نوآموزان مبتلا به اوتیسم» به مدت 24 ساعت ویژه 818 تن از والدین دارای فرزند نوآموز و دانش‌آموز مبتلا به اوتیسم و تهیه و توزیع یک بسته آموزشی برای 409 تن از اولیای دانش‌آموزان و نوآموزان اوتیسمی با موضوع نحوه برقراری ارتباط، نحوه مراقبت و آموزش فرزندان اوتیسمی و نحوه فرزندپروری از جمله اقدامات این معاونت است.

این کارگاه آموزشی در 15 استان اردبیل، ایلام، بوشهر، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، خوزستان، قزوین، کردستان، کرمان، کرمانشاه، گلستان، لرستان و هرمزگان برگزار شد.

همچنین برنامه تشخیص زود هنگام و غربالگری سرطان پستان و برنامه تشخیص زود هنگام و غربالگری سرطان دهانه رحم (سرویکس) در

چهار شهرستان شهرضا، مراغه، بافت، نقده هم در سال 94 انجام شد.

براساس این گزارش، البته معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال 95 نیز اقدامات جدی برای ارتقای سلامت در حوزه زنان و دختران در حال انجام دارد.

منبع: [ایلنا](#)

## مرگ خودخواسته دختران نوجوان، واکنشی به تبعیض جنسیتی

Photo: visual28/Bigstock.com

نعیمه دوستدار

خبر خودکشی دانش‌آموزان دیگر در رسانه‌های ایران چندان عجیب و نادر نیست. در طول سال ۴۹، دست کم ۳۱ دانش‌آموز در ایران [دست به خودکشی زدند](#) و جان خود را از دست دادند. علت شش خودکشی «مسائل تحصیلی، عدم قبولی در امتحانات یا کنکور و احضار والدین به مدرسه» و علت سه مورد دیگر از نیز «سرزنش والدین، خستگی از شرایط زندگی و دیدن فیلم در رابطه با خودکشی» اعلام شد.

بنا به آماري که فاطمه دانشور، عضو شورای شهر تهران در ۸ آبان ۴۹۳۱ اعلام کرده، از سال ۱۸۳۱ تا ۳۸۳۱ تعداد ۱۱۱ کودک در ایران اقدام به خودکشی کرده‌اند. این کودکان میان ۸ تا ۳۱ سال سن داشته‌اند و خودکشی آنها به شیوه مسمومیت بوده است. ۹۵ نفر از این کودکان پسر و ۲۵ کودک نیز دختر بوده‌اند.

### خودکشی دختران نوجوان در صدر اخبار

حالا باز هم خبر خودکشی یک دختر ۲۱ ساله [مشهدی منتشر شده است](#). رسانه‌ها نوشته‌اند که او در راه برگشت از مدرسه دست به خودکشی زده است. این دختر ۲۱ ساله روی برگه کوچکی نوشته است که وسایلیش را میان دوستانش تقسیم کنند. دست‌نوشته را در بازرسی جیب‌های این دختر پیدا کرده‌اند: «وسایلیم را بین دوستانم تقسیم کنید. پدر و مادر عزیزم من شما را دوست دارم، اگر خودم را می‌کشم به خاطر شما نیست، به خاطر خودم است.»

آنچه که یک دختر نوجوان را به مرحله‌ای می‌رساند که خودکشی کند چیست؟ رسانه‌ها نوشته‌اند که ترس او از تنبیه پدر به دنبال اخراج شدنش از مدرسه عامل این خودکشی بوده. مدرسه او را برای یک هفته اخراج کرده و او هم خودش را از طبقه چهارم یک ساختمان به پایین پرتاب کرده و کشته شده است. پدر این دختر ۲۱ ساله خود را دلیل خودکشی دخترش معرفی کرده: «او به خاطر ترس از من و اینکه مبادا دوباره تنبیهش کنم، دست به خودکشی زده است.»

چند هفته قبل، نمره پایینی گرفته و مدرسه پدرش را خواسته است. پدر به شدت با دخترش برخورد کرده است. دوباره او را به مدرسه خواسته‌اند. این بار دختر وسیله‌ای ممنوع با خود برده است. مدرسه دختر را یک هفته از کلاس اخراج کرده می‌کند. مشخص نیست این دانش‌آموز مشهدی چه وسیله‌ای با خود به مدرسه برده که باعث شده است یک هفته اخراج شود.

۷۱ اردیبهشت هم یک دختر ۳۱ ساله خود را از پلی در تهران پرتاب کرد و در دم درگذشت. روز یکشنبه ۹۱ اردیبهشت دختر نوجوان ۴۱ ساله‌ای در محله کوره موسوی شهر مریوان، در زیرزمین خانه پدری خود را به دار آویخت.

اگر رد اخبار را دنبال کنیم، این روایت‌ها فراوان است.

### خودکشی قاتل دختران

در پایان سال گذشته آماری تکان‌دهنده در [گزارش سازمان بهداشت جهانی](#) منتشر شد. طبق این آمار، خودکشی عامل پیشگام مرگ دختران نوجوان در سراسر جهان بوده است.

بیشتر دخترانی که بین سن ۵۱ تا ۹۱ سال بوده‌اند بیش از اینکه در اثر تصادفات جاده‌ای، بیماری و عوارض ناشی از حاملگی بمیرند، در اثر خودکشی جان باخته‌اند.

در طی سال‌ها، اعتقاد بر این بود که فرزندآوری علت اکثر مرگ‌ها در این گروه سنی است؛ اما در دهه اخیر و بر اساس آخرین آمار که مربوط به سال ۲۰۰۲ است، خودکشی از فرزندآوری جلوتر افتاده است. این گزارش سازمان بهداشت جهانی شش منطقه جهانی را بررسی کرده است. در اروپا، خودکشی قاتل اول دختران نوجوان است. در آفریقا، خودکشی حتی جزو پنج عامل اصلی مرگ دختران نیز نیست چون مرگ و میر مادران و ایدز عوامل اصلی آن هستند.

ولی در هر منطقه از جهان، به‌جز آفریقا، خودکشی جزو سه دلیل اصلی مرگ دختران بین ۵۱ تا ۹۱ سال است.

## رابطه میان خودکشی و انتظارات از دختران

چنین آمار دقیقی در ایران وجود ندارد. درست است که آمارهای محدود منتشر شده در ایران می‌گویند که تعداد پسران نوجوانی که به دلیل خودکشی از دنیا رفته‌اند بیش از دختران است اما همین آمارها نشان می‌دهند که اقدام به خودکشی در میان دختران بیشتر است.

با مروری بر روایت‌های منتشر شده درباره خودکشی دختران می‌توان به سرخ‌های مشترکی رسید که نشان می‌دهد در مواردی علت اقدام به خودکشی دختران با پسران تفاوت دارد. سن نوجوانی به خودی خود برای دختران سن حساسی است چون این احتمال وجود دارد که در این سن مجبور شوند مدرسه را ترک کنند و مسئولیت‌های خانگی را بپذیرند و مجبور شوند توانایی‌ها و آرزوهایشان را قربانی آن کنند. رسیدن به سن بلوغ می‌تواند برای دختران گاه به معنی این است که دیگر اجازه خروج از خانه و معاشرت با دیگران را ندارند.

فشارهای اجتماعی و غلبه سنت بر زندگی دختران یکی دیگر از این سرخ‌های مشترک است. انتظارات و توقعات یک جامعه سنتی از دختران بیشتر است و محدودیت‌ها هم شدیدتر. فشار خانواده و مدرسه بر دختران برای کنترل رفتار و رفت و آمدها و روابط آنها، خشونت‌های ناموسی، اجبار آنها به ازدواج در سنین پایین از جمله این انتظارات و مشکلات است.

در حالی که در میان دختران نوجوان خودکشی کرده، کسانی دیده می‌شوند که متاهل‌اند، مانند دختر نوجوانی که سال گذشته در اهواز در خانه شوهرش خود را از ارتفاع پرت کرد، کمتر پسر نوجوانی وجود دارد که انگیزه‌اش از خودکشی اعتراض به ازدواج اجباری باشد.

ازدواج در کودکی دختران را از همسالان خود دور می‌کند و در معرض رابطه جنسی زودهنگام و ناخواسته قرار می‌دهد. این نوع ازدواج دختران را به سادگی در معرض خشونت قرار می‌دهد و مستعد خودکشی می‌کند.

دختران نوجوانی که نمی‌خواهند به ازدواج اجباری تن بدهند در مناطق روستایی و عشایری خود را آتش می‌زنند و در استان‌های ایلام، کرمانشاه، و همدان این گونه خودسوزی‌ها بیشتر گزارش شده است.

همچنین دختران نوجوان به دلیل آزارهای جنسی و تجاوز دست به خودکشی می‌زنند. در شرایطی که حمایت قانونی از دختران قربانی تجاوز یا آزار جنسی وجود ندارد و خانواده‌ها هم آنها را با خشونت مضاعف رو به رو می‌کنند. به دلیل نبود آموزش‌های جنسی دخترانی که در معرض این نوع آزارهای قرار می‌گیرند، ممکن است مرز تجاوز و آزار را تشخیص ندهند و از ترس از دست دادن بکارت، تهدید فرد متجاوز یا احتمال خشونت و سرزنش خانواده دست به خودکشی بزنند.

از سوی دیگر، فشارهای اجتماعی نیز بر دختران بیشتر است. برخورد گشت ارشاد، فشار مدرسه و محیط‌های آموزشی بر رعایت حجاب و تنبیه دانش‌آموزان به خاطر به همراه داشتن وسایل ممنوعه که اغلب شامل لوازم آرایش، فیلم و سی دی موسیقی است، در مورد دختران شدیدتر است و با اغماض کمتری مواجه می‌شود و در نمونه‌هایی مانند خودکشی دختر ۲۱ ساله مشهدی، ترس از همراه شدن مساله با خشونت خانگی عواقب غیرقابل جبرانی دارد.

# دوره آموزشی رایگان خانه امن: خانه بدون خشونت در ساختار حقوقی ایران

خانه امن سیزدهمین دوره آموزشی رایگان خود را برگزار می کند. در این دوره سه جلسه ای با قوانین مربوط به خشونت خانگی علیه زنان و کودکان به زبان ساده آشنا می شوید. این دوره برای هر کدام از شما در هر جایگاهی که هستید می تواند مفید باشد.

در این دوره آموزشی ثبت نام کنید.

کمال جلیان، وکیل پایه یک دادگستری، لیسانس حقوق قضایی از دانشگاه شیراز و فوق لیسانس جزا و جرم شناسی از دانشگاه تهران وی با بیش از پانزده سال سابقه و کالت، مسئولیت پرونده های بسیاری را در رابطه با خشونت خانگی برعهده داشته است. جلیان سابقه تدریس در دانشگاه و نیز تالیفات متعددی را در کارنامه علمی خود دارد.

**جلسه اول:** درباره قوانین مربوط به زنان و خشونت خانگی چه می دانید؟

تاریخ: چهارشنبه، ۲۱ خرداد (۱ جون) - ساعت ۸ شب به وقت تهران

**جلسه دوم:** خانواده بدون خشونت در پناه قوانین ایران

تاریخ: چهارشنبه، ۹۱ خرداد (۸ جون) - ساعت ۸ شب به وقت تهران

**جلسه سوم:** حمایت از کودکان در مقابل خشونت خانگی، ممکن یا ناممکن؟

تاریخ: چهارشنبه، ۶۲ خرداد (۵۱ جون) - ساعت ۸ شب به وقت تهران

در این دوره آموزشی ثبت نام کنید.

## کنند مصرف می «روانگردان» هفتاد درصد زنان معتاد

عکس: فرارو

یک آسیب شناس با اشاره به راه های پیشگیری از ابتلای زنان به اعتیاد گفت: اطلاع رسانی و آموزش درباره دروغ بودن تبلیغات شبکه های ماهواره ای، تشدید مقابله و مبارزه با مراکز که تحت پوشش باشگاه ورزشی و آرایشگاه زنانه اقدام به عرضه محصولات حاوی مواد روانگردان می کنند، لازم است.

مجید ابهری در گفت و گو با خبرنگار سرویس « زنان » ایسنا، گفت: ایجاد مراکز ترک اعتیاد زنان معتاد از جمله اقدامات پیشگیرانه است. در حال حاضر یک یا دو مرکز ترک اعتیاد زنان معتاد در تهران وجود دارد بنابراین افزایش تعداد این مراکز در تهران و شهرستان ها لازم است. آموزش مهارت های زندگی بویژه تشویق بازگشت به سبک زندگی اسلامی و ایرانی نیاز از اهرم های پیشگیری در کوتاه مدت و اطلاع رسانی از طریق رسانه ها بویژه صدا و سیما می تواند نقش مهمی در پیشگیری از افزایش تعداد معتادان زن داشته باشد.

وی با بیان اینکه تغییر سبک زندگی تاثیر مستقیمی بر بروز ناهنجاری های فرهنگی و اجتماعی داشته است، اظهار کرد: متأسفانه پس از ورود شبکه های ماهواره ای و فضای مجازی به کشور، سبک زندگی اسلامی- ایرانی در برخی اقشار تغییر کرده است. خرید و فروش مواد و تولید آن در بسیاری از شبکه ها و گروه های فضای مجازی آموزش داده می شود.

وی در ادامه گفت: تغییر مصرف مواد از سنتی به صنعتی و تبلیغات کاذب در زمینه تاثیر مثبت این داروها بر لاغری موجب شده که برخی آرایشگاه های زنانه اقدام به عرضه داروهای لاغری کنند. چشم و همچشمی، خود بزرگ نمایی و روابط خارج از عرف موجب گرایش بعضی زنان به مواد مخدر شده است.

این آسیب‌شناس اضافه کرد: بر اساس تحقیقات بنیاد علوم رفتاری 15 تا 20 درصد از معتادان کشور زن هستند که حدود 70 درصد از آنان به مواد روانگردان اعتیاد دارند. 20 تا 30 درصد زنان نیز معتاد به مواد مخدر سنتی مانند تریاک، شیره و هروئین هستند که این مواد بیشتر در جنوب شرق و شرق کشور مصرف می‌شوند.

وی تاکید کرد: به علت فقدان بانک اطلاعات آسیب اجتماعی ارقام دقیقی از آسیب‌های اجتماعی در کشور نداریم بلکه از طریق شمارش نظری و اطلاعات میدانی به دست آمده آمار را اعلام می‌کنیم. تا وقتی که بانک اطلاعاتی آسیب‌های اجتماعی ایجاد و آمار معتادان تهران و سایر نقاط کشور متمرکز نشود بیان آمار دقیق میسر نمی‌شود.

ابهری در پایان گفت: گفته می‌شود مصرف شیشه موجب لاغری و جلوگیری از پیری می‌شود این در حالیست که مصرف این ماده مخدر موجب افزایش بروز سکته قلبی و مغزی و تولد فرزندان معلول می‌شود.

منبع: [ایسنا](#)

## در «زنان، جوانان و خانواده» پیشنهاد تشکیل کمیسیون مجلس مطرح می‌شود

این جلسه که روز گذشته برگزار شد، مقدماتی بود و در مورد تشکیل فراکسیون با سایر نمایندگان هم‌فکری می‌کنیم. همه زنان نماینده هم برای عضویت در فراکسیون زنان اعلام آمادگی کرده‌اند.

نماینده مردم تهران در مجلس دهم گفت: تشکیل کمیسیون زنان، جوانان و خانواده مورد توجه همه ماست و بنا داریم این کمیسیون را به‌عنوان یک کمیسیون جدید به مجلس پیشنهاد بدهیم، اما این کار زمان‌بر است و چند ماهی طول می‌کشد. به همین دلیل، برای این که زمان را از دست ندهیم باید فراکسیون زنان هم فعالیت داشته باشد. سهیلا جلودارزاده؛ نماینده مردم تهران در مجلس دهم در گفت‌وگو با خبرنگار مهرخانه، در رابطه با برگزاری اولین جلسه فراکسیون زنان و خانواده مجلس دهم گفت: این جلسه که روز گذشته برگزار شد، مقدماتی بود و در مورد تشکیل فراکسیون با سایر نمایندگان هم‌فکری می‌کنیم. همه زنان نماینده هم برای عضویت در فراکسیون زنان اعلام آمادگی کرده‌اند.

### شاید کمیته فوریت‌ها را برای زنان تشکیل دهیم

او در خصوص مهم‌ترین مسائلی که در حوزه زنان در مجلس دهم پیگیری خواهد شد اظهار داشت: زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و قضایی مشکلاتی دارند. فراکسیون زنان و خانواده باید در این رابطه کمیته‌هایی را تشکیل دهد و حتی شاید کمیته فوریت‌ها را برای زنان تشکیل دهد تا فوریت‌ها در یک کمیته خاص مورد توجه قرار گیرد و مسائلی که به برنامه ششم و سایر مسائل برمی‌گردد، در کمیته‌های دیگر بررسی شود. در واقع، مسایل درازمدت را از فوریت‌ها و اولویت‌ها جدا کنیم و بتوانیم هم مشکلات فوری را حل کنیم و هم برای حل و فصل مسایل درازمدت برنامه‌ریزی کنیم تا هم زنان در توسعه حضور داشته باشند و هم این که مشکلات آن‌ها حل شود.

### پیشنهاد تشکیل کمیسیون «زنان، جوانان و خانواده» را مطرح می‌کنیم

نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به برنامه‌هایی برای تشکیل کمیسیون «زنان، جوانان و خانواده» خاطر نشان کرد: تشکیل این کمیسیون مورد توجه همه ماست و بنا داریم این کمیسیون را به‌عنوان یک کمیسیون جدید به مجلس پیشنهاد بدهیم، اما این کار زمان‌بر است و چند ماهی طول می‌کشد. به همین دلیل، برای این که زمان را از دست ندهیم باید فراکسیون زنان هم فعالیت داشته باشد.

جلودارزاده در رابطه با حضور مردان نماینده در این کمیسیون بیان داشت: به دلیل این که این کمیسیون به جوانان و خانواده مربوط می‌شود باید با حضور همه نمایندگان اعم از زن و مرد و پیر و جوان باشد؛ چون به مسایل مربوط به همه اعضای خانواده اعم از افراد کهنسال، کودکان و خردسالان، جوانان و زنان رسیدگی می‌کند؛ یعنی کمیسیون زنان، جوانان و خانواده هم محوری و اولویت زنان و جوانان را در نظر خواهد گرفت و هم به مسایل مبتلابه خانواده در خصوص استحکام و کارآمدی بیشتر این نهاد اجتماعی و جامعیتی که می‌تواند در رفع نیازهای زن و مرد و پیر و جوان داشته باشد، توجه خواهد داشت.

او در خصوص تفاوت مجلس دهم در حوزه زنان و خانواده با مجالس گذشته گفت: اولین تفاوت این است که این مجلس می‌تواند از تجربیات 9 مجلس قبلی یعنی 36 سال حیات مجلس در دوره جمهوری اسلامی استفاده کند و تجارب خوب و بد آن را در نظر بگیرد و

حیات خود را بر کوهی از تجربیات بنا بگذارد. همچنین، این مجلس می‌تواند با استفاده از یک گروه متفاوت و دو گروه نزدیک به هم، مسایل را پیش ببرد. همیشه به نفع مردم بوده که عدد جناح‌های مجلس به هم نزدیک باشد و کسانی که به خواسته‌های ملت توجه می‌کنند در آن مجلس حضور محکم و جدی داشته باشند.

### مشکلات زنان نماینده شهرستان‌ها بیشتر است

نماینده مردم تهران در مجلس در رابطه با فعالیت مضاعف زنان در مجلس به‌عنوان نماینده کل جامعه و همچنین، نمایندگانی که به‌طور خاص دغدغه زنان و خانواده را دارند، اظهار داشت: 9 نفر از نمایندگان زن از شهرستان‌ها و 8 نفر از تهران آمده‌اند. درست است که تهران پایتخت است و وسعت بیشتری دارد، اما زنان نماینده تهران راحتی بیشتری دارند؛ مثل این که در حوزه انتخابیه خود ساکن هستند و نباید مدام به شهرستان سفر کنند. همچنین، تعداد آن‌ها قابل توجه است و انتظارات مردم تهران نیز بیشتر به وظایف یک نماینده نزدیک است، اما زنان نماینده شهرستان‌ها مشکلات بیشتری دارند و زنان‌شان هم مشکلات بیشتری دارند. در نتیجه، ما باید با تعامل و همکاری، این سختی کار را در مجلس با هم تقسیم کنیم و در عین این که به مسایل حوز ه انتخابیه رسیدگی می‌کنیم، در مورد زنان به‌طور خاص فعالیت کنیم.

او در ادامه گفت: همین که چند کمیته تشکیل دهیم، تعامل را میسر می‌کند و اگر با برنامه‌ریزی جلو برویم و برای هر سال شاخص‌های کمی و کیفی را تعریف کنیم و به مسایل زنان اولویت دهیم، می‌توانیم بعد از پایان سال به بخشی از مسایلی که مورد نظر بوده است، دست پیدا کنیم. باید با هیأت ریسه مجلس هم در تعامل باشیم تا کمک کند که این سختی کار کمتر شود و بتوانیم قوانین و لوایح را به موقع به صحن بیاوریم و اصلاحات لازم را انجام دهیم و بتوانیم بهره‌وری بیشتری داشته باشیم.

منبع: مهرخانه

## همکاری با ما

اعتراف می‌کنیم که کنترل و پیشگیری از خشونت خانگی بدون همراهی و مشارکت شما امکان‌پذیر نیست. هر روز که از فعالیت خانه امن می‌گذرد نیاز به این همراهی بیشتر احساس می‌شود. ما را در این مسیر تنها نگذارید. گام‌های کوچک آرزوهای بزرگ را دست‌یافتنی می‌کنند.

**پیر کنید** اگر شما هم مثل به این راه ایمان دارید، فاصله شما با ما به اندازه چند کلیک است. فرم همکاری با ما

## آخر مثل مادرت فاحشه می‌شوی

Photo: obey leesin/Bigstock.com

فریده موسوی

هر چی داری از من داری. اگر اجازه نمی‌دادم درس بخونی که الان این همه ادعا نداشتی. آخر هم می‌شی مثل مادر فاحشه‌ات. لیاقت نداری آن وقت احترام هم می‌خواهی. و من که بارها و بارها از همسرم، از مردی که سرم را با او روی یک بالشت می‌گذاشتم چنین حرف‌هایی می‌شنیدم از او نفرت پیدا می‌کردم و جرات نداشتم که حتی یک بار پاسخ او را بدهم.

سال‌ها من کلام تند و تحقیرآمیز او را تحمل کردم. فحش‌های بسیار رکیک، و هر بار مثل دستمالی می‌شدم. او عادت به قهرهای طولانی داشت و وقتی آشتی می‌کرد فقط خدا می‌داند که من با چه حالی با او همبستر می‌شدم. متعصب بود و همه غیرتش در حجاب سفت و سخت من خلاصه می‌شد ولی مقابل همه فحاشی می‌کرد و بهره‌ای از اخلاق نداشت.

بچه‌هایم افسرده بودند چرا که همین کلام را با آنها به کار می‌گرفت و امروز هر کدام به یک شکل بیمارند. من پس از سال‌ها توانستم از پيله خودم بیرون بیایم و زندگی کوچک و مستقل و آرامی تشکیل دهم ولی واقعیت این است که سالیان سال تحت شدیدترین خشونت



کلامی و روانی بودم و فکر می‌کنم که واقعا چرا باید آن همه سال را با تحقیر زندگی می‌کردم. چرا باید سلامت روانی بچه‌هایم را فدای ضعف خودم می‌کردم در حالی که می‌توانستم خیلی زودتر به انسانیت خودم احترام بگذارم و از چنین زندگی خارج شوم.

## صبور باش و حرف نزن

بدون شک خشونت کلامی که تبعات سنگین روانی برای قربانی در پی دارد چهره پنهان و حتی روی دیگر سکه خشونت خانگی است. رفتاری که اعتماد به نفس قربانی را هدف قرار می‌دهد و هویت، شرافت و غرور او را خدشه‌دار می‌کند. افرادی که از این شکل از خشونت علیه طرف مقابل استفاده می‌کنند کلمات رکیک و دشنام و روش‌هایی چون اتهام زدن و رفتار آمرانه و تحکم‌آمیز را به کار می‌گیرند. قهر می‌کنند و مدام بهانه می‌گیرند. فریاد می‌زنند و تهدید می‌کنند تا قربانی را مرعوب و تسلیم کنند.

مریم در گفت و گو با خانه امن می‌گوید: من در 15 سالگی ازدواج کردم. درس‌ام را رها کردم و مثلاً به خانه بخت رفتم. خانواده من مذهبی سنتی بود و خانه آرامی داشتیم ولی پس از ازدواج آن هم در آن سن کم انگار به جهنم پرت شدم. همسر من را به شدت محدود کرد تا جایی که حق نداشتم برای خرید نان از خانه بیرون بروم. حتی مسجد محل و جلسات قرآن را که خیلی علاقمند بودم قطع کرد و پدر و مادرم هم همیشه می‌گفتند صبور باش و حرف نزن تا ببینیم چه می‌شود. شاید به مرور بهتر شد. من شدم زندانی که اگر مراسم ختمی بود حق داشتم با خودش شرکت کنم.

کم کم احساس کردم زن بی‌لیاقتی و بی‌عرضه‌ای هستم. مغزم از کار افتاده بود و قیافه‌ام مثل جسد شده بود. اجازه نمی‌داد حتی توی خانه آرایش کنم و بچه‌هایم را به دکتر و مدرسه ببرم. گوشه‌گیر شده بودم و ساکت، جرات حرف زدن نداشتم. خانواده شوهرم هم ارزشی که باید را برایم قائل نبودند با اینکه آدم‌های بسیار خوبی بودند ولی من واقعا هیچ شده بودم. اگر اعتقاد به آخرت نبود خودم را می‌کشتم.

حالا داماد دارم و یک زن خسته و بی‌مصرف هستم. مادرم از دنیا رفت و من تنها پشت و پناه خود را از دست دادم. جالب این است که یک عمر هم شوهرم نشست و بلند شد به من گفت بی‌عرضه بی‌لیاقت. من امروز فقط مرگ را آرزو می‌کنم. ترجیح می‌دهم بمیرم.

## اتهام زدن و ترس از آبرو

یکی از اشکال شایع خشونت کلامی اتهام زدن است. در جامعه‌ای مانند ایران که آبرو و حیثیت از عوامل مهم زندگی اجتماعی است، خشونت‌گر با اتهام‌های اخلاقی تلاش می‌کند اعتبار و احترام و آبروی قربانی را از میان ببرد. به خصوص در زمان اختلاف و یا دعوای خانوادگی فوری قربانی را به موارد اخلاقی متهم می‌کند تا او را خفه و منفعل کند. خانواده او را به باد چنین اتهاماتی می‌گیرد و یا استهزا می‌کند و قربانی از ترس آبرو تسلیم می‌شود.

چنین روش‌هایی قربانی را ناتوان و عاجز می‌کند و به حاشیه می‌راند و صدمات جبران‌ناپذیری به همه اعضا خانواده می‌زند در حالی که اگر زنان قربانی خشونت کلامی و روانی به دادگاه مراجعه کنند مقررات لازم برای حمایت از چنین قربانیانی وجود ندارد و همین فقدان حمایت‌های قانونی و نقشی که باید سیستم عدالت کیفری بازی کند و نمی‌کند موجب گسترش چنین خشونت‌هایی در خانواده و رواج عادی سازی چنین رفتارهایی در جامعه می‌شود.

در واقع آنچه حلقه مفقوده حل پدیده خشونت در خانه و جامعه ماست استراتژی مسوولان دولتی و قضایی و قوه مقننه برای کاهش خشونت خانگی در ابعاد مختلف است که توجه سریع دولت‌مردان به آن ضرورت دارد. سیاست‌گذاری منطبق با واقعیات که بر پایه تحقیقات تبیین شده و از پشتیبانی قانونی لازم و ضمانت‌های اجرایی برخوردار باشد.

سعید دانشجوی روزنامه‌نگاری است و به تازگی ازدواج کرده‌است، او می‌گوید همسرش مرتب او را به طلاق و اجرای مهریه و حتی خودکشی تهدید می‌کند. آنها به روانشناس مراجعه کرده‌اند و روانشناس به همسرش گفته که چنین تهدیدهایی از جمله خشونت‌های روانی است که سلامت روانی سعید را به خطر انداخته است.

بدون شک بی‌توجهی، جدا کردن بستر زناشویی، تهدید به تعدد زوجات، دیر آمدن و یا شب نیامدن بدون اطلاع، تهدید به گرفتن بچه‌ها و حتی کشتن آنها، تهدید به کشتن حیوانات خانگی و حتی صدمه زدن به آنها، بیرون کردن از خانه، لجبازی و شکاکی نیز از جمله موارد خشونت روانی است و طیف گسترده‌ای از رفتارها از جمله چنین خشونت‌هایی محسوب می‌شود.

محدودیت و منع دیدن اقوام و فامیل، ممانعت از اشتغال و یا تحصیل از خشونت‌های رایج روانی است که مردان به دلیل قدرت بیشتر مالی و جسمی و قانونی آن را به کار می‌گیرند.

یکی از کاربران فیسبوکی خانه امن برای ما نوشته: شوهرم سرش را به دیوار می‌کوبد و یا وسایل خانه را پرتاب می‌کند. از هر اتاقی می‌گذرد در را به شدت به هم می‌کوبد و من همیشه در ترس و نگرانی از رفتارهای ناگهانی او هستم. به من اتهام خیانت می‌زند و تهدید به مرگ می‌کند و جلوی بچه‌ها به شدت به سر و صورتش می‌کوبد. این رفتار را با مادر پیرش هم انجام می‌دهد و این زن به شدت از او می‌ترسد.

ترسد.

یک بار نیمه شب که مادرش بیمار شده بود با وجود التماس من و بچه‌ها می‌گفت دروغ می‌گوید. شوهرم نمی‌خواست که او را به بیمارستان ببرد تا بالاخره من مجبور شدم به اورژانس زنگ بزنم.

### قربانی مقصر نیست

دلایل متنوعی موجب اعمال خشونت کلامی و روانی از سوی خشونت‌گر می‌شود. دکتر فرید فدایی روانپزشک در گفتگو با خانه امن می‌گوید: چنین افرادی به دلایل مختلف می‌خواهند و یا احساس نیاز می‌کنند تا فرد دیگری را کنترل کنند. حسادت، فقدان اعتماد به نفس، ناتوانی در مهار خشم و هیجانات شدید، ابتلا به بیماری‌های روانی، فقدان آموزش و حتی احساس جبران موقعیت پایین‌تر مرد نسبت به زن، مصرف مواد مخدر، افسردگی و بیکاری و فقر و بسیاری عوامل دیگر در اعمال خشونت و خشونت روانی و کلامی موثر است. البته موقعیت فرهنگی جوامع و آموزش در اندازه بکارگیری خشونت روانی موثر است و حفظ برتری و موقعیت‌های مردانه نیز می‌تواند از جمله دلایل چنین رفتارهایی باشد.

وی معتقد است که افرادی که در خانه و جامعه با چنین شخصیت‌هایی زندگی می‌کنند باید بدانند مستحق چنین رفتارهایی نیستند و خود را مقصر ندانند. هیچ دلیلی نمی‌تواند اعمال خشونت را توجیه کند و یادگیری و تربیت و آموزش نیز می‌تواند به افراد حق دهد که خشونت را نسبت به دیگران اعمال کنند و به همین دلیل من معتقدم آموزش و رسانه می‌تواند موجب تغییر رفتار تعداد بسیاری از خشونت‌گران شود.

در این خصوص یک فوق تخصص روانکاوی با بررسی علل روانشناختی گرایش به خشونت اظهار داشت: گاهی خشونت توسط فرهنگ، تایید و یا تشویق می‌شود و حتی توسط خانواده به رسمیت شناخته شده و یک رفتار نرمال تلقی می‌شود. دکتر تورج مرادی در این باره می‌گوید: روانکاوان معتقدند هنگامی که نمی‌توانیم حرفمان را به کرسی بنشانیم توسط خشونت آن را اعمال می‌کنیم و این به معنای آن است که کسی که اقتدار درونی‌اش از بین رفته یا کم رنگ شده است ناچار است توسط خشونت خواسته‌اش را محقق کند.

این استاد دانشگاه بر این باور است که وقتی احترام به‌خود را یاد نگرفته‌ایم و از کودکی با احساس تحقیر زندگی کرده‌ایم به دیگران نیز طبعاً احترام نمی‌گذاریم و این بی‌احترامی را بر فردی که از خودمان ضعیف‌تر است مثل کودکان اعمال می‌کنیم. این بی‌احترامی مثل یک عقده سرکوفته‌ی حل نشده در درون فرد باقی می‌ماند و هنگامی که فرد توسط عوامل بیرونی تحریک می‌شود آن را به شکل پرخاشگری و خشونت بیرون می‌ریزد.

این محقق ضمن اشاره به این که وقتی انسان قادر نباشد بر محیط کنترل داشته باشد این عدم کنترل را دلیل ضعف و ناتوانی خود تلقی می‌کند معتقد است: در چنین شرایطی فرد بیمار فکر می‌کند که دوست داشتنی نیست و غیرقابل احترام است و در چنین حالتی حتی احساس شرم نهفته در درون آدمی افزایش می‌یابد و در چنین شرایطی است که تخلیه کردن احساس شرم بوسیله کتک زدن و تحقیر کردن کسی که ما را خشمگین کرده‌است، فوق‌العاده ارضاکننده و تخلیه‌کننده است لذا این تجربه به کرات تکرار می‌شود. [۱۱]

در نهایت باید گفت همه ما باید در مقابل خشونت و اشکال مختلف آن حساس باشیم و برای پیشگیری و مقابله با آن فعال باشیم. ما باید بدانیم خشونت همیشه باز تولید می‌شود بنابراین اگر مادر یا پدری هستیم که از یکی از اشکال خشونت استفاده می‌کنیم به کودکان خود این پیام را می‌دهیم که آن‌ها نیز مجاز به چنین رفتاری هستند. کودکان از ما یاد می‌گیرند و از ما تقلید می‌کنند و همان پیام را به جامعه منتقل می‌کنند.

[۱۱] آفتاب ایران

---

## جدایی به دلیل آزار ناشی از رفتارهای نامتعارف جنسی

Photo: Public Doman/ Sasha Wolff

موسی برزین خلیفه‌لو، وکیل خانه امن

**پرسشگر:** با سلام. زن 26 ساله‌ای هستم که یک سال قبل ازدواج کرده‌ام. پس از ازدواج رفتارهای ناخوشایندی از شوهرم مشاهده کردم. شوهرم که فردی خشن و عصبانی است، به هنگام برقراری رابطه، انتظارات جنسی نامتعارفی دارد. ایشان یک سری رفتارهایی انجام می‌دهد که من از این گونه رفتارها بسیار تنفر دارم. شوهرم مرا مجبور به نزدیکی از پشت می‌کند و علاوه بر آن از من انجام کارهایی را می‌خواهد که من از انجام آنها کراهت دارم. در این مورد در اینترنت چند مطلب خواندم و متوجه شدم که انتظارات جنسی شوهرم نرمال نیست. به هر حال چندین بار هم با او صحبت کردم و هر دفعه گفته است که رفتارش را اصلاح می‌کند اما به هنگام رابطه باز همان کارهای قبلی را انجام می‌دهد. این مساله مرا بسیار ناراحت کرده است. با خانواده خودم و شوهرم هم نمی‌توانم مطرح کنم چون خجالت می‌کشم. چند بار خواستم که با مادر شوهرم صحبت کنم اما نتوانستم. در سایت شما مطلبی در این مورد دیدم و بالاخره تصمیم گرفتم از شما راهنمایی بخواهم. چه کار می‌توانم بکنم؟ واقعا درمانده شده‌ام. خیلی سعی کردم که یا کنار بیایم یا شوهرم را اصلاح کنم اما نتوانسته‌ام. لطفا راهنمایی کنید. به فکرم رسید که باید جدا شوم. آیا می‌توانم این کار را بکنم؟

**وکیل خانه امن:** سلام خانم محترم. متأسفم از مشکلی که برایتان پیش آمده است. در این مورد مراجعه به روانشناس و مشاور خانواده هم می‌تواند مفید باشد.

در مورد بُعد حقوقی مساله خدمتتان عرض کنم که بر اساس قوانین ایران زن موظف به تمکین از شوهر خود است. اما در مورد اینکه تمکین خاص چیست و زن موظف به چه نوع رابطه جنسی است چیزی در قوانین نیامده است. به عبارتی قانون مشخص کرده که زن موظف به برقراری رابطه جنسی با شوهر است اما تعریفی از رابطه جنسی نیامده است. به همین دلیل اختلافاتی هم در این مورد به وجود آمده است. مقاربت از دبر یا همان نزدیکی از پشت و یا برخی ارتباطات جنسی نامتعارف که موجب ناراحتی و آزار زن می‌شود قطعا بدون رضایت زن امری ناپسند است اما قوانین در این مورد تدابیر لازم را پیش بینی نکرده‌اند. با این وجود در قانون مدنی ایران موادی وجود دارند که می‌توان با استناد به آنها گفت که رفتارهای نامتعارف جنسی شوهر اگر موجب مشقت و سختی زن شود، زن می‌تواند تقاضای طلاق دهد. به عبارتی اگر رفتارهای جنسی شوهر، زن را در وضعیت عسر و حرج قرار دهد، زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و تقاضای طلاق نماید.

در این مورد پرونده‌هایی نیز در دادگستری مطرح شده‌اند. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در مورد یک پرونده نظریه‌ای صادر کرده و مقاربت از پشت را از مصادیق عسر و حرج دانسته است. از این اداره پرسیده شده است: «چنانچه مقاربت از دبر بدون رضایت زوجه صورت پذیرد و موجب جنایت بر پوست و تغییر رنگ آن شود با توجه به اینکه مطابق مشهور فقها (آیات عظام مکارم شیرازی، بهجت، وحید خراسانی ..) این امر غیرجایز و حرام است آیا زوجه مجاز به عدم تمکین است؟» این اداره در پاسخ بیان داشته است که: «در فرض سؤال چنانچه دادگاه احراز کند که عمل وطی از دبر موجب تالمات جسمی و روحی زوجه می‌شود عمل مذکور می‌تواند از مصادیق سوءرفتار زوج نسبت به زوجه و عسر و حرج تلقی شود.» [1]

بنابراین دادگاه‌ها نیز رفتارهای خشن و نامتعارف جنسی شوهر بدون رضایت زن را از مصادیق عسر و حرج می‌دانند. با این وجود از آنجا که مقررات صریحی در این مورد وجود ندارد و قوانین ایران در بسیاری از موارد حقوق زنان را در نظر نگرفته‌اند، برخی از شعب ممکن است رفتارهای نامتعارف جنسی شوهر را عاملی برای حکم طلاق ندانند.

**پرسشگر:** اگر در نهایت تصمیم به جدایی گرفتم چگونه می‌توانم اقدام کنم؟ چگونه می‌توانم حرف‌هایم را اثبات کنم؟

**وکیل خانه امن:** اگر تصمیم به جدایی دارید، در ابتدا با شوهرتان صحبت کنید. وی را قانع کنید که به طلاق توافقی رضایت دهد. به هر شکلی که ممکن است نهایت تلاشتان را برای رضایت وی انجام دهید. طلاق توافقی بسیار سریع و بدون دردسر به نتیجه می‌رسد. اما اگر شوهرتان به هیچ وجه راضی به طلاق توافقی نشد، راه دیگری به جز تقاضای طلاق یک طرفه باقی نمی‌ماند. برای این کار باید دادخواستی تنظیم کرده و به دادگاه خانواده مراجعه کنید. در دادخواست مشکلاتتان و اینکه رفتارهای جنسی همسرتان چگونه بوده و چه اثراتی بر جسم و روان شما داشته است را نوشته و ذکر کنید که قادر به ادامه زندگی نیستید. می‌توانید تقاضا کنید که دادگاه شما را برای معاینه به پزشکی قانونی ارسال کند. اگر خودتان در این مورد به پزشک مراجعه کرده‌اید می‌توانید نتیجه آن را ضمیمه دادخواست کنید. به هر حال دادگاه بررسی می‌کند و اگر تشخیص دهد که شما در وضعیت عسر و حرج هستید حکم طلاق را صادر خواهد کرد.

**پرسشگر:** این پروسه چقدر طول می‌کشد؟

**وکیل خانه امن:** نمی‌توان زمان معینی را پیش‌بینی کرد. زمان رسیدگی به خیلی از عوامل بستگی دارد اما در مدت کمی نمی‌توانید به نتیجه برسید. دادگاه‌ها در مورد تقاضای طلاق از ناحیه زن سختگیری بیش از حدی دارند.

[1] ( نظریه اداره حقوقی 323/22 7/2/92 شماره پرونده 2-150 ) 9-92

---

## مهم‌ترین عوامل طلاق: اعتیاد و خیانت

Photo: weerapat/Bigstock.com

آمار طلاق رو به افزایش است اما دلایل آن به گواهی آمار چیست؟ هر چند که تفکیک این آسیب‌های اجتماعی از دشوار است اما حسین اسد بیگی، رئیس ستاد فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در همایش آسیب‌های اجتماعی طلاق که در سالن همایش استانداری قزوین برگزار شد، اظهار کرد: طبق آمار مدیرکل بهزیستی تهران اعتیاد، خیانت، عدم مسئولیت‌پذیری همسر و درآمد ناکافی از مهم‌ترین عوامل طلاق از دید زوجین است. وی افزود: در کشور آمار طلاق در حال افزایش است که در سال گذشته 163 هزار و 765 طلاق در کشور ثبت شده که از این میزان 2 هزار و 667 طلاق متعلق به قزوین بوده است.

رئیس ستاد فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، تصریح کرد: آمار آسیب‌های اجتماعی باید اطلاع‌رسانی شود چرا که وقتی این آمار به اطلاع برسد بهتر می‌توانیم در حوزه کنترل و بهبود آسیب‌های اجتماعی گام برداریم. اسد بیگی ادامه داد: اعتیاد یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق در کشور است و این در حالی است که طلاق در کشور نسبت به سال‌های گذشته رشد 53 درصدی داشته است که بالاترین میزان علل طلاق مرتبط با اعتیاد است. وی با اعلام اینکه در بسیاری از موارد طلاق بهترین راهکار است، اضافه کرد: نمی‌توان همیشه طلاق را اشتباه و غلط دانست بلکه در مواقعی راه‌حل مناسب برای نجات زوجین و فرزندان است. رئیس ستاد فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، تصریح کرد: در بعضی مواقع وابستگی زوجین به یکدیگر موجب می‌شود زوجی که به مراقبت از همسر معتاد خود می‌پردازد دچار بیماری‌های متعددی شود.

وی در پایان به لغو و عدم برگزاری برخی کنسرت‌ها اشاره کرد و گفت: لغو و عدم برگزاری کنسرت‌ها به گسترش اعتیاد جوانان در جامعه دامن خواهد زد.

منبع: [خبرگزاری آنا](#)

---